



عقلانیت مرجح* در فرایند سیاست‌گذاری جنایی ایران مقاله علمی - پژوهشی

دکتر علی صفاری** - پگاه نادری***

چکیده:

عقلانیت، مداخلات منفعت‌طلبانه و اقتدارگرایانه کنشگران عرصه سیاست‌گذاری را محدود می‌سازد. چنانچه قائل به تأثیرپذیری نظام‌های مختلف سیاست‌گذاری از عقلانیت حتی در حداقلی‌ترین سطح خود باشیم، آنچه روند سیاست‌گذاری جنایی را از کارآمدی خارج می‌سازد، پدیده «عقلانیت مرجح» است. این پدیده محصول توجه حداکثری و انحصاری به الزامات خاصی از عقلانیت به موازات نادیده انگاشتن سایر الزامات آن در راستای تحقق منافع فردی و حزبی سیاست‌گذار و بر پایه تعصبات ذهنی اوست.

این نوشتار که با روش توصیفی - تحلیلی انجام شده است، باتوجه به نظریه «عقلانیت ترکیبی اسنلن»، ضمن معرفی ابعاد مختلف عقلانیت؛ چگونگی ظهور «عقلانیت مرجح» در فرایند سیاست‌گذاری جنایی ایران و راهکارهای رفع آن را به بحث و بررسی می‌گذارد. نتایج تحقیق حکایت از آن دارد که «عقلانیت مرجح» دست‌کم در مواردی نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران را به واسطه مداخله حداکثری رهبران سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری و اعمال عقلانیت‌های مرجح سیاسی، اخلاقی و دینی مؤثر از خود ساخته است؛ به گونه‌ای که سیاست جنایی عقلانی به سیاست جنایی غیرعقلانی تغییر ماهیت داده است. بر این اساس اعمال «عقلانیت

مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، شماره ۱۶، نیمسال دوم ۱۳۹۹
صفحه ۲۴۳-۲۱۷، تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۱/۳۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۴

* Super Rationality

*** دانشیار دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
Email: alisaffary2020@gmail.com

*** دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران،

Email: Naderi.pegah@gmail.com

نویسنده مسئول

www.SID.ir

ترکیبی» از طریق بازنگری در ارکان سنتی سیاست‌گذاری و تقویت حضور نخبگان حرفه‌ای و جامعه مدنی در آن، می‌تواند راه‌حل برون‌رفت از معضل عقلانیت‌های مرجح در نظام سیاست‌گذاری ایران باشد.

کلیدواژه‌ها:

سیاست‌گذاری جنایی، عقلانیت مرجح، عقلانیت سیاسی، عقلانیت اخلاقی، عقلانیت دینی.

مقدمه

برخلاف تصور بسیاری از محققان که پست‌مدرنیسم را به دلیل نسبی‌گرایی و بی‌اعتنایی نسبت به عقلانیت، آفت کارآمدسازی نظام سیاست‌گذاری می‌دانند، به نظر می‌رسد که تأکید بر نفوذ فراروایت‌ها^۱ در ابعاد مختلف حیات سیاسی و اجتماعی بشر و استفاده ابزاری قدرت از منطق در این مکتب، مابانی لازم برای استقرار یک طرز تلقی جدید با عنوان «عقلانیت ترکیبی»^۲ و «نفی عقلانیت مرجح» را بنیان نهاده است که برعکس، به کارآمدی فرایند سیاست‌گذاری جنایی از این منظر، کمک شایانی می‌کند.

عقلانیت از منظر ایگنیس اسنلن^۳، محقق برجسته مدیریت دولتی، به صورت ترکیبی از ابعاد اقتصادی، سیاسی، قانونی و حرفه‌ای در سیاست‌گذاری به کار می‌رود. اسنلن بر پایه رویکرد پنجم پست‌مدرنیسم؛ یعنی انکار وجود «فراروایت‌ها» سیاست‌گذاری عقلانی را شامل آن دسته از سیاست‌ها می‌داند که در چهارچوب رعایت ابعاد فوق بگنجد؛ مشروط به آنکه رعایت یک نوع از عقلانیت به تضعیف یا تحذیف دیگر ابعاد عقلانیت نینجامد.^۴

برخلاف این روش تعامل‌گرایانه، تمرکز بر عقلانیت مرجح روشی از سیاست‌گذاری است که در آن بعد یا ابعاد محدودی از عقلانیت که بیشتر از سایر ابعاد، سیاست‌گذار را در دستیابی به منافع خود یاری می‌رساند، به موازات نادیده‌انگاری سایر ابعاد، مورد توجه انحصاری قرار می‌گیرد و نظام برنامه‌ریزی را به سمت تضمین منافع آن بعد خاص متمایل می‌سازد.

ایده عقلانیت مرجح منبعث از رویکرد مکتب پست‌مدرن نسبت به فراروایت‌هاست. پست‌مدرن‌ها معتقدند عقلانیت مدرن در راستای تثبیت قدرت خود به شکل غیرواقعی اقدام به تولید فراروایت‌های دروغین نموده و با برجسب عقلانیت‌پنداری دیگر روایت‌ها را خرافات

1. Meta-Narrative

2. Mixed Rationality

3. Ignace Snellen

4. Ignace Snellen, "Conciliation of Rationalities: The Essence of Public Administration," *Administrative Theory & Praxis* 24(2) (2002): 326.

می‌داند.^۵ در سیاست جنایی متکی بر عقلانیت مرجح نیز سیاست‌ها بسته به ارزش‌ها و ملاحظات سیاسی موردقبول نظام سیاسی به سمت بعدی خاص از عقلانیت تمایل می‌یابند و تلاش می‌کنند نادیده‌انگاری سایر ابعاد را در چهارچوب همان عقلانیت برتری یافته توجیه کنند. درواقع همان‌طور که فراروایت‌ها از تسلط روایتی قدرتمند، کلان و بی‌تفاوت نسبت به روایت‌های خرد و محلی استفاده می‌کنند، عقلانیت‌های مرجح یا گزینشی نیز از یک الزام کلان و تحمیل‌گر نسبت به سایر الزامات عقلانی برای توجیه و تدوین سیاست‌ها استفاده می‌کنند. درواقع عقلانیت موردقبول گفتمان سیاسی غالب با کنار زدن سایر ابعاد، همچون روایتی مطلق به عقل مطلق تبدیل می‌شود. بدین ترتیب عقلانیت مرجح به‌عنوان ضدعقلانیت عمل کرده و سیاست‌گذاری جنایی را از عقلانیت دور می‌سازد. عقلانیتی که شرط بقا و کارآمدی سیاست عمومی است.

پژوهش حاضر مدعی آن است که مداخلات کنترل‌نشده سیاسی و ارزشی باعث شده است که درموردی از عقلانیت استفاده ابزاری شده و عقلانیت مرجح نظام برنامهریزی جنایی ایران را با محدود کردن نقش نظارتی عقل به سمت ناکارآمدی و سختگیری سوق داده است. بدین ترتیب هدف از این مقاله، نخست پاسخ به این پرسش است که عقلانیت مرجح چیست؟ دوم اینکه، این پدیده چگونه نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران را متأثر از خود ساخته است؟ و سوم اینکه، چگونه می‌توان به‌واسطه اعمال عقلانیت ترکیبی مداخله عقلانیت مرجح در فرایند سیاست‌گذاری را رفع یا به حداقل ممکن کاهش داد؟ چهارچوب ساختاری مقاله بر اساس پاسخ‌دهی به سؤالات فوق در سه بخش تنظیم شده است. بخش نخست به معرفی عقلانیت مرجح می‌پردازد و مشخصه اصلی سیاست جنایی متکی بر این نوع از عقلانیت را مشخص می‌سازد. بخش دوم با استفاده از ذکر مصادیق به تبیین چگونگی ظهور عقلانیت مرجح در فرایند سیاست‌گذاری جنایی ایران و تأثیرپذیری از آن می‌پردازد و درنهایت بخش سوم راهکارهای رفع عقلانیت مرجح از نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران را ارائه می‌کند.

۵. ژان فرانسوا لیوتار، وضعیت پست‌مدرن - گزارشی درباره دانش، ترجمه حسینعلی نوذری (تهران: گام نو، ۱۳۹۱)، ۱۰۰.

۶. سیاست‌گذاری جنایی از سه مرحله شکل‌گیری، اجرا و ارزیابی تشکیل شده است. آنچه در این نوشتار به بحث گذاشته شده است، مرحله شکل‌گیری سیاست‌هاست. برای اطلاع بیشتر نک: حمیدرضا ملک‌محمدی، مبنای و اصول سیاست‌گذاری عمومی (تهران: سمت، ۱۳۹۶)، ۸۹-۵۲.

۱- عقلانیت مرجح و سیاست جنایی

عقلانیت الزامات متعددی دارد. هر یک از این الزامات به فراخور کارکرد خود، بر ضرورت پایبندی سیاست‌گذار به مجموعه‌ای از مؤلفه‌های عقلانی و ارزشی تأکید دارند. هنگامی که الزامات مختلف عقل کنار هم قرار می‌گیرند، به حوزه یکدیگر تجاوز می‌کنند. به گونه‌ای که هر یک تلاش می‌کند بایسته‌های حاکم بر خود را بر سایر ابعاد تحمیل کند.^۷ به‌طور مثال، در فرایند کیفرگذاری، درحالی که منطق اقتصادی به دنبال کاهش جمعیت زندان‌هاست، عقلانیت اخلاقی برقراری عدالت، عقلانیت سیاسی پیروزی سیاست‌گذار در انتخابات آینده و عقلانیت قانونی تناسب جرم و مجازات را تعقیب می‌کند. هدفی که می‌تواند به افزایش جمعیت زندان منتهی شود.^۸

برتری یافتن یک دسته از مقولات ارزشی بر دسته دیگر (مثلاً ارزش‌های سیاسی بر ارزش‌های اخلاقی^۹ یا برعکس) یا متحمل شدن الزاماتی که واسطه مداخله امور ارزشی هستند بر ابعادی که بر ضرورت توجه به امور عینی و سنجش‌پذیر تأکید دارند یا برعکس، توجه صرف بر الزامات تجربه‌محوری که قائل به عدم‌اعتبار ارزش‌ها و باورهای رایج در اجتماع^{۱۰} برای ورود به بدنه نظام برنامه‌ریزی هستند، عامل شکل‌گیری و مداخله عقلانیت مرجح است.

۱-۱- سیاست جنایی متکی بر عقلانیت

عقلانیت مسیری است در پی روش‌ها و ابزارهای مناسب برای نیل به اهداف.^{۱۱} به گونه‌ای که

7. Denis Goulet, "Three Rationalities in Development Decision Making," *World Development* 14 (1986): 304.

۸. برای اطلاع بیشتر نک: علی صفاری، کیفرشناسی (تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۸)، ۱۰۵-۱۵.

۹. نمودی از این نوع مداخله عقلانیت مرجح را می‌توان در قانون «ممنوعیت استفاده از تجهیزات ماهواره‌ای مصوب ۱۳۷۳» دید.

۱۰. دلیل تمایل افراطی سیاست‌گذاران جنایی به سیاست‌های شکست‌خورده اصلاح و درمان در دهه‌های گذشته، پایبندی آنها به تفسیر پوزیتیویستی از عقلانیت بود که برای مقولات ارزشی و غیرقابل اثبات از طریق تجربه اعتباری قائل نبود. نک: آنتونی گیدنز، سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری (تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۴)، ۲۲۱-۱۵۳.

۱۱. تناسب میان روش‌ها با اهداف مستلزم عقلانی بودن اهداف است. درغیراین‌صورت وسایل نیز غیرعقلانی محسوب می‌گردند؛ مانند تلاش یک دولت برای نابودی نسل بشر که هرگونه وسیله برای رسیدن به این هدف نیز غیرعقلایی قلمداد می‌شود. نک: حسین قریب، بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰)، ۶۱. این

قدرت استدلال انسان را فارغ از هرگونه احساس و عاطفه، متقاعد کند.^{۱۲} این مسیر برمبنای دیدگاه اسنلن با وجود استفاده از تعمیم‌های مبتنی بر واقعیت، تخمین‌های صحیح آماری و قواعد حاکم بر روابط علی و معلولی، قائل به حذف تأثیر مفاهیم ذهنی و تجریدی از فرایند تصمیم‌گیری نیز نیست؛ زیرا از یک‌سو انسان را وابسته به احساس و زندگی غیرعقلانی می‌داند که بر رفتارهای سیاسی وی مؤثر است^{۱۳} و از سوی دیگر قائل به اجتناب‌ناپذیری مداخله نظام سیاسی و نظم ارزشی زیربنایی آن در سیاست‌گذاری است^{۱۴}؛ بنابراین عقلانیت به واسطه ابعاد مختلف^{۱۵} خود، ضمن پذیرش مقولات ارزش‌مدار در فرایند سیاست‌گذاری، با تمسک بر امور عینی و منطقی، دامنه نفوذ این مقولات را مورد جرح و تعدیل قرار داده و قاعده‌مند می‌سازد.

عقلانیت سیاسی^{۱۶}، سیاستی را واجد منطق می‌داند که بستر استمرار و تقویت حیات نظام سیاسی را فراهم سازد. از این‌رو، از یک‌سو به دنبال مشروع جلوه دادن ساختار سیاسی و مقبولیت رفتار رهبران سیاسی است و از سوی دیگر به دنبال تثبیت و توسعه مجموعه ارزش‌هایی است که هویت مبنایی ایدئولوژی سیاسی حاکم را شکل داده‌اند. عقلانیت اخلاقی^{۱۷}، شیوه‌ای فکری است که پرورش و دفاع از یک‌سری ارزش‌های خاص را برای مردم ارزشمند می‌سازد و پذیرش اجبار و فشار دولتی توسط آنان را در درونی شدن ارزش‌هایی می‌داند که از درون فرهنگ رایج در سطح اجتماع نشئت می‌گیرد.^{۱۸} عقلانیت

نوشتار با قبول پیش‌فرض عقلانی بودن اهداف، به بررسی پدیده عقلانیت مرجح می‌پردازد.

۱۲. برای دیدن سایر تعاریف ارائه‌شده از عقلانیت نک: آمارتیا سن، *عقلانیت و آزادی*، ترجمه وحید محمودی و علیرضا بهشتی (تهران: نشر نی، ۱۳۹۸)، ۲۵ و مهدی صبوری‌پور، *عقلانیت در ارتکاب جرم* (تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۸)، ۲۵-۱۸.

۱۳. حسین بشیریه، *جامعه‌شناسی سیاسی* (تهران: نشر نی، ۱۳۹۵)، ۵۹.

۱۴. امیر ایروانیان، *نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی* (تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲)، ۴۴.

۱۵. اسنلن چهار بعد قانونی، سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای را معرفی می‌کند؛ اما نگارنده معتقد است که سه نوع عقلانیت دیگر یعنی عقلانیت اخلاقی، دینی و جهانی نیز سیاست جنایی را مؤثر از خود کرده و از این‌رو قابلیت بررسی دارد نک: رحمت‌الله قلی‌پور و ابراهیم غلام‌پور آهنگر، *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران* (تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹)، ۲۳.

16. Political Rationality

17. Moral Rationality

۱۸. نک: محسن برهانی، *اخلاق و حقوق کیفری* (تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷)، ۱۱۵-

دینی^{۱۹} نیز سیاستی را عقلانی می‌داند که با اعمال ارزش‌ها و هنجارهای مورد قبول دین، برای مردم سعادت و رستگاری اخروی نیز به همراه داشته باشد.

عقلانیت اقتصادی^{۲۰}، باتوجه به ابزار پاسخگویی محدود به نیازهای غیرمحدود انسان، سیاستی را عاقلانه می‌داند که با استفاده از این ابزار محدود بیشترین تعداد از نیازها را پاسخ گوید. عقلانیت حرفه‌ای^{۲۱} برآورد کمی و کیفی شرایط محیطی، مداخله افراد متخصص، بهره‌مندی از تجربه نیروهای پیشکسوت، آموزش کارگزاران، توجه به فناوری‌های جدید و نظریه‌های علمی را از شاخصه‌های برخورداری یک سیاست از عقلانیت می‌داند.^{۲۲}

بر مبنای عقلانیت قانونی^{۲۳} قواعد الزام‌آور زمانی عاقلانه تلقی می‌شوند که با معیارهای مندرج در قانون اساسی، سیاست‌های مصوب قبلی و اصول ثابت حقوقی منطبق باشند و از شفافیت و انسجام لازم برخوردار باشند^{۲۴ و ۲۵} و در آخر، عقلانیت جهانی^{۲۶} نیز ارتقای کارآمدی نظام سیاست‌گذاری جنایی را در عدم تعارض سیاست‌های تدوینی با هنجارهای معینی می‌داند که در یک اجماع بین‌المللی به قاعده و عرف جهانی تبدیل شده‌اند.

به موازات ابعاد مختلف عقلانیت، سه دسته کنشگر نیز در فضای سیاست‌گذاری مداخله می‌کنند. رهبران سیاسی، نخبگان حرفه‌ای و مردم و جامعه مدنی به نمایندگی از مردم^{۲۷}. در سیاست‌گذاری عقلانیت‌مدار، کنشگران عرصه سیاست‌گذاری ضمن توجه به کلیه ابعاد عقلانیت، با ناظر ساختن مقولات ثابت و منطقی‌پذیر عقلانی (عقلانیت‌های اقتصادی و قانونی) بر امور ذهنی و تفسیرپذیر (عقلانیت‌های اخلاقی و سیاسی) به تبعیت از عقلانیت‌هایی می‌پردازند که قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری داشته باشند و بیش از سایر ابعاد به حل واقعی مشکلات کمک کنند. در فرایند برنامه‌ریزی متکی بر عقلانیت مرجح اما به دلایل مختلفی چون مداخله حداکثری دولت در فرایند سیاست‌گذاری، مداخله ضعیف نهادهای مدنی، شکاف‌های عمیق اجتماعی و فرهنگ تابعیتی نخبگان سیاسی، توانایی عقلانیت‌ها در تحقق منافع فردی و حزبی یک دسته خاص از کنشگران جایگزین قدرت تبیینی و تفسیری

19. Religious Rationality

20. Economic Rationality

21. Professional Rationality

22. Snellen, op.cit. 330

23. Legal Rationality

24. M. Loughlin, "Constitutional Theory: A 25th Anniversary Essay," *Oxford Journal of Legal Studies* 25 (2005): 184.

۲۵. نک: امیریوسف وحدانی، *اصل شفافیت در حقوق کیفری ماهوی* (تهران: بهنامی، ۱۳۹۶)، ۱۷۳-۲۳.

26. Global Rationality

27. Goulet, op.cit. 306.

آنها شده و در نتیجه ناکارآمدی غالب می‌گردد.

در نظام سیاست‌گذاری جنایی، از آن‌رو که پشتوانه اجرایی تدابیر نظارتی و محدودکننده جنایی اقتدار نظام سیاسی است؛ سیاست جنایی در مدل‌های دولتی خود، بیش از سایر کنشگران، به مداخله رهبران سیاسی و گروه‌های ذی‌نفعی که موفق به متقاعد ساختن سیاست‌مداران شده‌اند، وابسته است. رهبران سیاسی مایل به استمرار قدرت و نظام ایدئولوژیک حاکم بوده و لاجرم بیش از سایر ابعاد عقلانی بر بایسته‌های عقلانیت سیاسی توجه دارند. از این‌رو در نظام سیاست‌گذاری جنایی، تمرکز بر عقلانیت‌های مرجح در صورت بروز، به واسطه توجه حداکثری به بایسته‌های عقلانیت سیاسی و بعدی از عقلانیت که بر پایه ماهیت نظام سیاسی، ابزار دستیابی به عقلانیت سیاسی بیشتر درون آن مستتر است، ایجاد می‌شود.^{۲۸}

۱-۲- سیاست جنایی متکی بر عقلانیت مرجح

بر مبنای تعاریف شرح داده‌شده در قسمت قبل، درحالی‌که عقلانیت‌های سیاسی، اخلاقی و دینی بر ضرورت مداخله ارزش‌های سیاسی و اخلاقی در فرایند سیاست‌گذاری و اجتناب‌ناپذیری آن تأکید دارند و بنابراین واسطه طرح امور ذهنی و تفسیرپذیر هستند، عقلانیت‌های اقتصادی، حرفه‌ای و قانونی منبع تزریق مؤلفه‌های ثابت و منطقی‌پذیر تجربی و عقلانی قلمداد می‌شوند. توجه حداکثری به عقلانیت سیاسی در سیاست جنایی مساوی می‌گردد با پذیرش جایگاه فرادستی عقلانیت سیاسی بر سایر الزامات عقلانی و درنهایت تأثیرگذاری مستقیم و نامحدود مداخلات ارزش‌گرایانه رهبران سیاسی در فرایند برنامه‌ریزی جنایی.

در مداخله عقلانیت مرجح سیاسی برخلاف فرایند عقلانی‌سازی، به‌جای آنکه مؤلفه‌های عینی بر مؤلفه‌های ذهنی حاکم و ناظر باشند و اندیشه‌هایی توسعه‌یابند که خلاف عقل نباشد، این ارزش‌ها و اندیشه‌های سیاسی هستند که عرصه مداخله امور عقلانی را تنگ می‌سازند و تنها اجازه ورود معلومات استدلال‌پذیری را صادر می‌کنند که خلاف منافع قدرت

۲۸. از آن‌رو که هدف این مقاله بررسی چگونگی مداخله عقلانیت‌های مرجح در سیاست جنایی ایران است؛ این پدیده تنها با مدل‌های دولتی سیاست جنایی انطباق داده شده است. مسلم است که در مدل‌های جامعی، تمرکز بر عقلانیت مرجح نه از مجرای توجه حداکثری به عقلانیت سیاسی که به‌واسطه توجه انحصاری به سایر ابعاد عقلانیت (مانند عقلانیت اخلاقی به موازات نادیده‌انگاری عقلانیت قانونی در سیاست جنایی آنارشیستی) ظهور می‌کند. برای اطلاع از مدل‌های سیاست جنایی نک: مری دلماس مارتی، *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۳).

حاکم و رویکردهای سیاسی و ارزشی آن نباشد.

بنابراین مشخصه اصلی سیاست جنایی متکی بر عقلانیت مرجح، غیرعقلانی رفتار کردن آن است. در این نوع از سیاست جنایی، برخلاف سیاست جنایی عقلانیت‌مدار، بیش از حل واقعی و پایدار معضل جرم و پیشگیری از آن، استمرار قدرت حاکم و نظام ارزشی زیربنایی آن تضمین و تأمین می‌شود. نتیجه این امر، تدوین تدابیر سلیقه‌ای است که ثبات نداشته و دائماً، به موازات جایگزینی گفتمان‌های سیاسی جدید تغییر جهت می‌دهد. به علاوه از قدرت اجرایی لازم برخوردار نبوده و در مواردی به نقض حقوق سیاسی و مدنی شهروندان نیز منتهی می‌شود ابعاد دیگری از عقل که در معیت عقلانیت سیاسی مورد توجه افراطی قرار گرفته و اهمر تحمیل رویکردهای سیاسی می‌شوند، در تبعیت از ماهیت ساختار حاکم سیاسی متغیر هستند. در نظام‌های سیاسی اقتدارگرا، از آن رو که اقتدار فرمانروا به خودی خود توجیه‌کننده مشروعیت است، نظام سیاست‌گذاری تلاش چندانی برای تقویت مشروعیت دولت در بستر جذب افکار عمومی ندارد؛ بنابراین می‌تواند با تمرکز صرف بر عقلانیت سیاسی، جامعه را تحت نظارت قرار داده و تدابیر جنایی را به سمت سختگیری و سرکوب جامعه مدنی مایل سازد. این درحالی است که در الگوهای لیبرال و نئولیبرال که حفظ مشروعیت ارتباط تنگاتنگی با نظر مردم دارد، مداخله عقلانیت مرجح سیاسی در صورت ظهور معمولاً از مجرای توجه حداکثری به عقلانیت‌های اخلاقی (خواست مردم) یا اقتصادی سیاست‌ها را غیرعقلانی می‌سازد و در نظام‌های سیاسی دینی توجه تک‌بعدی بر بایسته‌های منطق دینی می‌تواند سیاست جنایی را به سمت سختگیری افراطی سوق دهد.

۲- مصادیق اعمال عقلانیت مرجح در سیاست جنایی ایران

از آن رو که نظام سیاسی حاکم بر ایران، بر مبنای انتخاب اکثریت قاطع مردم و به منظور برقراری شئون دین اسلام در تمام امور زندگی جامعه (مردم‌سالاری دینی)^{۳۹} بنیان نهاده شده است، اعمال حداکثری عقلانیت سیاسی می‌تواند موجبات توجه افراطی به منطق اخلاقی با هدف حفظ مشروعیت نظام و در اولویت قرار دادن عقلانیت دینی، به منظور تثبیت ایدئولوژی زیربنایی قدرت را فراهم آورد.

۳۹. شهرام طهماسبی، مهرداد جواهری‌پور و رضاعلی محسنی، «مطالعه تطبیقی لیبرال دموکراسی با مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی»، *مطالعات جامعه‌شناسی* ۴۳ (۱۳۹۸)، ۲۰.

بنابراین مداخله عقلانیت مرجح سیاسی در مواردی به‌تنهایی و گاه به همراه مداخله عقلانیت‌های مرجح اخلاقی و دینی و از مجرای آنها، بر بدنه نظام سیاست‌گذاری جنایی ایران حاکم شده و روند پاسخ‌دهی به جرم را به‌شرح آتی، متأثر از خود می‌سازد.

۲-۱- عقلانیت مرجح سیاسی

سیاست جنایی^{۳۰} ارزش‌گذاری‌های رسمی در قالب قوانین و مقررات و مدیریت رعایت این ارزش‌ها و پاسخ به موارد نقض آنهاست.^{۳۱} نظام ارزشی که سیاست‌گذار در تلاش است تا به‌واسطه سیاست‌گذاری جنایی مستقر سازد، ممکن است با مخاطبانی روبه‌رو شود که نظام فرهنگی متضادی با نظم ارزشی او دارند. تعارضات عمیق و ادامه‌دار تفکر سیاسی حاکم با نظام فرهنگی رایج به تردید و انکار مخاطبان نسبت به مشروعیت نظام سیاسی موجود و به موازات آن تقویت تفکرات سیاسی حریف منتهی می‌گردد و منادی تلاش اجتماع برای حذف دولت می‌گردد. در این میان، عقلانیت سیاسی برای حفظ حیات نظام و مشروعیت آسیب‌دیده خود پا به میان نهاده و تلاش می‌کند تا نظم ارزشی معارض را ضعیف و به‌تدریج حذف کند و نظام هنجاری مطابق با ایدئولوژی سیاسی خود، ایجاد کند.

درحالی‌که به مدد اعمال عقلانیت ترکیبی، دامنه نفوذ ایدئولوژی‌ها در نظام هنجاری جدید با فیلتر الزامات حرفه‌ای، اقتصادی و قانونی روبه‌رو می‌شود، در فرایند نفوذ عقلانیت مرجح سیاسی این فیلترینگ حذف، الزامات عقلانی در جایگاه پایین‌تری نسبت به ارزش‌های سیاسی قرار می‌گیرند و سیاست‌ها صرفاً به فراخور خواست رهبران سیاسی، ابزار پیشبرد منافع قدرت می‌گردند.

نمودی از اعمال عقلانیت مرجح سیاسی در تدابیر جنایی ایران را که به خنثی‌سازی نقش جامعه مدنی در عرصه سیاست‌گذاری منتهی گردید، می‌توان در تغییرات صورت‌گرفته در ترکیب اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم مصرح در ماده ۲ قانون پیشگیری از جرم دید. لایحه پیشگیری از جرم به تاسی از گفتمان توسعه قضایی به‌عنوان اولین سندی که در آن به

۳۰. نک: کریستین لازرژ، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی (تهران: میزان، ۱۳۹۶).

۳۱-۲۵. محمد حسینی، *سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران* (تهران: سمت، ۱۳۹۴)، ۲۵-۲۰.

رحیم نوبهار، «مدل‌شناسی سیاست جنایی اسلام»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۶۱ (۱۳۹۲)، ۱۵۰-۱۰۱.

۳۱. علی‌حسین نجفی ابرندآبادی، «سیاست جنایی» در *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به کوشش امیرحسین

نیازپور (تهران: میزان، ۱۳۹۶)، ۵۵۶.

موضوع پیشگیری از جرم به‌طور مستقل پرداخته شده است، مؤثر از دغدغه‌ای به نگرارش درآمد که تلاش می‌کرد مفهوم پیشگیری از جرم را با رویکردی اجتماعی، غیردولتی و غیرامنیتی وارد بدنه سیاست جنایی ایران کند. لایحه در سال ۱۳۸۴ به مجلس تقدیم شد، اما در رویارویی با گفتمان غالب سزاگرایانه و ایدئولوژی سیاسی که بیشتر به سمت حداکثری کردن حوزه‌های حضور و اقتدار دولت تمایل داشت، با بی‌اعتنایی سیاست‌گذار مواجه و بعد از عبور از سه مجلس قانونگذاری و تغییرات عمده، درنهایت در سال ۱۳۹۴ به قانون پیشگیری از جرم مبدل گردید.

در متن مقدماتی لایحه، تنظیم‌شده در کمیسیون پیشگیری از جرم مرکز مطالعات توسعه قضایی، بر مبنای عقلانیت حرفه‌ای^{۳۲} که تنظیم کارآمد سیاست‌های کلان پیشگیری از جرم را مستلزم حضور نهادهای مدنی و اجتماعی در فرایند طراحی سیاست‌های پیشگیرانه و مؤثر از رویکردی می‌دانست که تلاش داشت فراهم‌سازی زمینه‌های آموزش جامعه را جایگزین نظارت مستقیم بر مردم کند، ترکیب شورا علاوه بر نیروهای امنیتی، متشکل بود از نمایندگان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، رفاه و تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، مرکز ملی جوانان، کار و امور اجتماعی و همچنین نهادهای مدنی. این ترکیب در دولت دستخوش تغییر شد و حضور پررنگ نهادهای اجتماعی و مردم‌محور، تحت تأثیر گفتمان حداکثرسازی نقش رهبران سیاسی در سیاست‌گذاری‌ها، کم‌رنگ و اعضای شورا در متن مصوب دولت^{۳۳} به عضویت رؤسای سه قوه یا نمایندگان آنان کاهش یافت. لایحه به مجلس تقدیم شد. کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس تعدادی از اعضای اجتماعی را به ترکیب شورا بازگرداند، اما همچنان به دلیل تسلط رویکردهای امنیتی و بسته سیاسی، بدون حضور نماینده‌ای از جامعه مدنی، حضور نیروهای دولتی و امنیتی در اکثریت قرار گرفت. در واقع لایحه، متفاوت از هدف اولیه خود که بر پایه عقلانیت حرفه‌ای^{۳۴} تأکید بر اعمال تدابیر اجتماع‌محور و مشارکتی قبل از

۳۲. نک: محمد فرجیها و دیگران، «بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۴ (۱۳۸۶)، ۲۱۵.

۳۳. «لایحه پیشگیری از جرم»، مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان، مشاهده‌شده در ۷ بهمن ۱۳۹۸، <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx>.

۳۴. پیشگیری، شیوه‌های غیرقهرآمیزی است که هدف آن تقلیل یا محدود ساختن وقوع مجموعه اعمال جنایی از راه غیرممکن‌الوقوع ساختن یا دشوار نمودن یا احتمال وقوع را پایین آوردن، است. علی صفاری، «تعریف و مفهوم پیشگیری از جرم»، *خبرنامه انجمن جرم‌شناسی* ۱۲/۱۱ (۱۳۸۸)، ۸-۳. نهادهای اجتماعی و جامعه مدنی با توجه به ماهیت و کارکرد خود نقش حائز اهمیتی در استفاده مؤثر از شیوه‌های

وقوع جرم بود؛ به‌سوی راهبردهای اصلاحی و قضایی پسینی پیش می‌رفت که مؤثر از عقلانیت سیاسی حاکم بر دولت و مجلس وقت بود. مصوبه مجلس پس از ایراد شورای نگهبان و اصرار مجلس بر مصوبه خود به مجمع تشخیص مصلحت ارسال گردید. مجمع مؤثر از رویکردی تعدیل شده، با اضافه کردن تعدادی دیگر از نمایندگان نهادهای اجتماعی و فرهنگی به ترکیب شورا، البته همچنان بدون حق رأی برای نمایندگان نهادهای مدنی، بعد از چندین سال کشمکش در سال ۱۳۹۴ این ترکیب را نهایی کرد.^{۳۵}

در سیاست جنایی اقتدارگرایی متکی بر عقلانیت مرجح، منطق سیاسی معمولاً قائل به پذیرش نقش فعال جامعه مدنی نیست؛ زیرا نهادهای مدنی نه تنها نسبت به تثبیت و استمرار قدرت حاکم بی‌تفاوتند؛ بلکه در مواردی حتی در مسیری متضاد، با هدف تعدیل رفتارهای اقتدارگرایانه نخبگان سیاسی و خواسته‌های نامعقول آنان تأسیس شده و فعالیت می‌کنند^{۳۶}؛ بنابراین هرچه نقش این نهادها در فرایند تصمیم‌گیری جنایی بیشتر به حاشیه رانده شود، عقلانیت سیاسی بهتر می‌تواند مطالبات خود را پاسخ گوید.

در نمونه‌ای دیگر ردپای مداخله عقلانیت مرجح سیاسی را می‌توان در دوران حیات مجلس ششم و تلاش‌ها و مخالفت‌ها برای تصویب طرح‌ها و لوایحی دید که از سوی شورای نگهبان مکرراً رد می‌شدند.^{۳۷} «طرح جرم سیاسی»، «طرح منع شکنجه» و «لایحه پیوستن ایران به کنوانسیون منع هرگونه تبعیض علیه زنان» از جمله این طرح‌ها و لوایح است. مخالفان لایحه اخیر که تصور می‌شود مشروعیت و اقتدار نظام سیاسی را بر پایه بی‌اعتبار دانستن نظام بین‌الملل، مبارزه با تهاجم فرهنگی و تعهد به ارزش‌های اسلامی می‌دانستند؛ عمده‌ترین دلایل مخالفت خود را بر مبنای جلوگیری از سرافکنندگی ناشی از محو قوانین اسلامی قرار داده بودند.^{۳۸} مخالفت‌هایی که در آن به‌نظر می‌رسد بایسته‌های عقلانیت حرفه‌ای و جهانی

غیرقهرآمیز دارند.

۳۵. تبصره ماده ۲ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴: دبیر شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم می‌تواند به تناسب موضوعات مطروحه در این شورا صاحب‌نظران، کارشناسان و نمایندگان دیگر نهادها و سازمان‌ها را بدون حق رأی دعوت کند.

۳۶. بسیاری از نهادهای مدنی حامی حقوق بشر، حقوق زنان و حقوق اقلیت‌ها از این دسته‌اند.

۳۷. نک: «نظر شورای نگهبان در خصوص طرح منع شکنجه و طرح جرم سیاسی»، مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان، مشاهده‌شده در ۹ بهمن ۱۳۹۸، <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx>

۳۸. محمود جلالی، «حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۶۶ (۱۳۸۳)، ۱۳۲.

کاملاً نادیده گرفته شده بودند. از سوی دیگر دولت^{۳۹} (هفتم) و مجلس (ششم) وقت نیز که حفظ مشروعیت نظام سیاسی را در محدوده توسعه سیاسی و آشتی جهانی تعریف می‌کردند، با غفلت از عقلانیت‌های قانونی و حرفه‌ای و بدون تلاش برای ایجاد زمینه‌های قانونی و اجتماعی پذیرش لایحه فوق، تلاشی غیرعقلانه در جهت الحاق ایران به این کنوانسیون داشتند. تساوی جنسیتی مدّ نظر کنوانسیون نه‌تنها در تعارض با قوانین ایران است و همین امر منطق قانونی لایحه را زیر سؤال می‌برد، بلکه نظام فرهنگی جامعه نیز در آن زمان پذیرای هضم این نوع تساوی‌گری نبود.

درنهایت، لایحه با وجود پیام کلی مثبت خود که می‌توانست منبع الگوبرداری و خلق سیاست‌هایی پایبند به عقلانیت‌های اخلاقی، قانونی و دینی در پیشگیری از خشونت‌های خانگی و اجتماعی علیه زنان شود، به هیچ نتیجه مثبتی منتهی نگردید. امری که با روی کار آمدن مجالس بعدی قانونگذاری و تغییر ماهیت دادن ابزارهای پایبندی به عقلانیت سیاسی (از توسعه سیاسی به انزوای سیاسی)، به‌طور کلی به دست فراموشی سپرده شد.

به‌نظر می‌رسد، با وجود اینکه بر پایه منطق سیاسی، تلاش برای حفظ حیات نظام امری ثابت و متیقن است، وسیله دسترسی به این هدف، سیال و در تبعیت از هویت سیاسی کنشگرانی است که در فضاهای گفتمانی مختلف رشد یافته‌اند. گفتمان‌های سیاسی از طریق شکل‌دهی به چهارچوب فکری رهبران سیاسی و تعیین شکل خاصی از اندیشه و کردار سیاسی، باعث می‌شوند که برنامه‌ریزان جنایی با قضاوت‌های ارزشی خود، سیاست‌های پاسخ‌دهی به جرم را مشخص سازند. همین امر محتوای برنامه‌ها، از ترکیب اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم گرفته تا ضرورت الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی را به موازات تغییر در گفتمان‌های سیاسی با تحول روبه‌رو می‌سازد.^{۴۰}

۳۹. الحاق ایران به این کنوانسیون اولین بار در دولت ششم مطرح گردید؛ اما دولت ششم که بر پایه عقلانیت سیاسی غالب، توسعه اقتصادی کشور و بازسازی ویرانه‌های جنگ را مبنای اقتدار و مشروعیت نظام سیاسی می‌دانست، تمایلی به پیگیری موضوع نشان نداد.

۴۰. توجه حداکثری و انحصاری به عقلانیت سیاسی را علاوه بر سیاست جنایی تقنینی، می‌توان در سیاست جنایی قضایی و اجرایی نیز دید. مسدود کردن شبکه اجتماعی تلگرام به‌منظور پیشگیری از جرم، نمونه‌ای از یک سیاست جنایی متکی بر عقلانیت سیاسی مرجح است که به دلیل عدم تسلط کافی بر دانش اجرایی (عقلانیت حرفه‌ای)، به کاهش استفاده از تلگرام منتهی نشده است و تنها میزان استفاده از فیلترشکن و دسترسی به سایر شبکه‌های غیرمجاز را افزایش داده است. نک: «فیلترینگ چه اثری بر استفاده از تلگرام داشت؟»، خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، ۲۰ دی ۱۳۹۸.

<https://www.isna.ir/news/98012007494>.

۲-۲- عقلانیت مرجح اخلاقی

عقلانیت اخلاقی مستقر در زندگی روزمره مردم است. مردم عادی فارغ از هرگونه قضاوت‌های کارشناسانه یا قدرت‌طلبانه، تجاربی را در طول زندگی به دست می‌آورند که برمبنای آن تجارب، نگرانی‌های آنها از جرم و ناامنی شکل می‌گیرد. آنها بر اساس همین تجارب تصمیم گرفته، تلاش می‌کنند و از همه مهم‌تر از نظام سیاست‌گذاری انتظار پاسخگویی دارند. تمایل به داشتن مسکن خوب و امکانات رفاهی از جمله این تجارب است. تجاربی که بر پایه احساس و ارزش‌گذاری‌های انسان به مسائل پیرامون خود شکل می‌گیرد. عقلانیت سیاسی در نظام‌های سیاسی لیبرال تلاش می‌کند تا باتوجه‌به نگرانی‌های مخاطبان و متقاعد ساختن آنها به تلاش حداکثری نظام سیاسی برای کسب منافع جمعی، سیاست‌های اتخاذی را از انحصار تدابیری تحمیلی خارج و به افزایش مشروعیت نظام سیاسی کمک کند. بر این اساس به سیاست‌گذار گوشزد می‌کند که خود را دغدغه‌مند جلوه دهد و حتی در صورت ناتوانی در حل واقعی مسائل، آنها را به‌طور سمبلیک حل کند. عقلانیت سیاسی، اظهارات لفاظانه و فریبنده‌ای که نخبگان سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری و درجهت پیشبرد دستاوردهای خاص خود به کار می‌برند را چنانچه به حفظ قدرت حاکم منتهی شود، خردمندانه و حتی ضروری می‌داند.

هنگامی که به‌واسطه حضور حداکثری رهبران سیاسی در فرایند سیاست‌گذاری، عقلانیت سیاسی با ماهیت متقاعدکننده و فریبنده خود از یک‌سو برنامه‌ریزان جنایی را به حفظ حیات سیاسی موجود با توسل به یکی از دو وسیله کسب رضایت مردم یا شکل‌دهی به افکار عمومی و فریب آنان، ملزم می‌سازد؛ عقلانیت اخلاقی موردتوجه مضاعف قرار گرفته و اجبار سیاست‌گذار به رفع نگرانی‌های مردم و آرام کردن فضای عمومی جامعه از مجرای اجرای صریح و قاطع عدالت و اعاده نظم اخلاقی از میان رفته، فرصت و دغدغه اعمال عقلانیت‌های حرفه‌ای، (مطالعات میدانی و مشورت با صاحب‌نظران فنی) را از سیاست‌گذار دریغ می‌کند. همین امر باعث می‌شود که او به سمت رفتارهای غیرعلمی و نمادین متمایل شود که هدفی جز پاسخگویی به بایسته‌های حاکم بر این دو بعد از عقلانیت نداشته باشد.

نمونه‌های بارز از فرایند مداخله عقلانیت مرجح اخلاقی را می‌توان در حوزه جرایم اقتصادی و معیشتی در ایران دید. موضوعاتی که با تجربیات روزمره مردم در ارتباط بوده و بنابراین بر نوع قضاوت آنان از عملکرد نظام سیاسی، بیش از سایر موضوعات تخصصی چون نحوه اداره کردن زندان‌ها یا پیشگیری از جرایم ثبتی، مؤثر است.

مجموعه سیاست‌هایی که در واکنش به تحولات اقتصادی سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ اتخاذ گردید، نمونه‌ای از این سیاست‌ها است. اعتراضات مردم و بازاریان نسبت به وضعیت اقتصادی، تورم شدید و ناپایداری قیمت ارز و سکه موجب اتخاذ تدابیری در جهت آرام کردن فضای عمومی جامعه (عقلانیت اخلاقی) و دغدغه‌مند نشان دادن نظام سیاست‌گذاری در حل مشکلات اقتصادی (عقلانیت سیاسی) گردید. بانک مرکزی بر اساس وظیفه‌ای که بند الف ماده ۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به او محول کرده است، سقف نگهداری ارز به شکل اسکناس را معادل ۱۰۰۰ یورو ارز قرار داد و بیشتر از آن را ممنوع و قاچاق اعلام کرد. رئیس قوه قضائیه در مرداد ماه ۱۳۹۷، بخشنامه «نحوه رسیدگی به پرونده‌های اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور» را صادر کرد. تحدید موازین دادرسی منصفانه از طریق سرعت‌بخشی در رسیدگی به جرایم و تحقیق از اخلال‌گران در مراجع اختصاصی با رویکردی قاطع مشخصه اصلی این بخشنامه است. تیتراژ رسانه‌ها به مفسدین اقتصادی و محاکمه آنها اختصاص یافت و به‌منظور بزرگنمایی نقش متهمین در اوضاع نابسامان اقتصادی و کم‌رنگ ساختن نقش دولت، از عناوین رسانه‌ای چون سلطان سکه، ارز و قیر استفاده شد. محاکمه سریع متهمان برگزار و احکام سنگینی برای آنان صادر شد و چند نفر به سرعت اعدام شدند. تلاش برای نشان دادن حسن‌نیت دولت در برخورد با فساد تا آنجا پیش رفت که سیاست‌گذار در قالب طرح الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور، قوه قضائیه را موظف به اعلام نوع اتهام و هویت کامل متهمان موضوع قانون به‌محض تشکیل پرونده در دادسرا به‌صورت عمومی کرد^{۴۱}، سیاستی در تعارض کامل با اصل برائت و اصل تعرض‌ناپذیری متهم (عقلانیت قانونی و حرفه‌ای).

استفاده ابزاری رهبران سیاسی از افکار عمومی حساس‌شده از تحولات اقتصادی، منطق اخلاقی را با ماهیت احساسی و شتابزده خود، حاکم و ناظر بر عقلانیت حرفه‌ای با ماهیت منطق‌پذیر خود ساخت و درنهایت باعث گردید که سیاست‌های متکی بر عقلانیت مرجح تأثیر چندانی در بهبود فساد نداشته باشند. تورم همچنان در نظام اقتصادی ایران پایدار است و بر اساس گزارش سالانه سازمان شفافیت بین‌المللی، ایران از نظر فساد مالی در سال ۲۰۱۸ در جایگاه ۱۳۸، بدترین رتبه در طی چند سال اخیر قرار دارد.^{۴۲} جالب این است که تدابیری که

۴۱. «طرح اصلاح قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای

اسلامی، مشاهده‌شده در ۲۴ دی ۱۳۹۸، https://rc.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1393925.

42. "Corruption Perceptions Index 2018," Transparency International,

←

متأثر از عقلانیت‌های مرجح سیاسی و اخلاقی با ماهیتی شتابزده و زودبازده^{۴۳} اتخاذ می‌گردند، در بلندمدت بر پایه عقلانیت‌های اخلاقی و سیاسی نیز چندان خردمندانه قلمداد نمی‌شوند. ادامه اعتراضات معیشتی مردم، معلمان و کارگران در سال ۱۳۹۸ نشان داد که این تدابیر چندان که باید، برای نظام سیاست‌گذاری در حل مشکل فساد، مشروعیت به بار نیاورده است.

درمقابل چنین موضوعات حساسیت‌برانگیزی، موضوعاتی قرار می‌گیرد که به دلیل تخصصی بودن و عدم تأثیر قابل‌رویت بر زندگی عامه مردم، نگرانی چندان ایجاد نکرده و از این‌رو ضرورت تصویب آنها از دایره توجه الزامات عقلانیت اخلاقی خارج می‌گردد. لایحه الحاق ایران به «کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان‌یافته فراملی» و لایحه الحاق ایران به «کنوانسیون مقابله با تأمین مالی تروریسم» از چنین مواردی است. مجمع تشخیص مصلحت نظام در تصویب دو لایحه اخیر فشار چندان از سوی افکار عمومی احساس نکرده و بنابراین صرفاً با تمرکز افراطی بر بایسته‌های عقلانیت سیاسی و نادیده‌انگاری الزامات حرفه‌ای و جهانی، تصویب نهایی این دو لایحه را چندان عاقلانه تلقی نمی‌کند.^{۴۴}

۲-۳- عقلانیت مرجح دینی

در نظام‌های سیاسی دین‌جدا، الزامات منطق دینی در مواردی در بطن عقلانیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای در سیاست‌گذاری‌های مربوط به جرایم خانوادگی و جنسی مداخله می‌کند^{۴۵}؛ اما در

<https://www.transparency.org/cpi2018>.

43. L. Campbell, "Criminal Justice and Penal Populism in Ireland," *Legal Studies* 28 (2008): 556.

۴۴. «تقابل دیدگاه مخالفان و موافقان پیوستن ایران به fatf»، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا)، منتشرشده در ۱ دی ۱۳۹۸، مشاهده‌شده در ۲۰ دی ۱۳۹۸، www.irna.ir/news/83603489.

۴۵. نمونه‌ای از این مداخله را می‌توان در قانون مجازات فرانسه و جرم‌انگاری مجدد «زنا با محارم» بعد از گذشت حدوداً ۲۰۰ سال از جرم‌زدایی آن دید. «زنا با محارم» از جمله رفتارهایی است که توسط تمامی ادیان ابراهیمی موردنکوهش و ممنوعیت قرار گرفته است. در فوریه سال ۲۰۱۰ دولت فرانسه متعاقب انتشار گزارشی از سوی پارلمان که در آن به قربانیان متعدد زنا با محارم (حدود یک میلیون فرانسوی)، رنج‌ها و شکنجه‌های متحمل‌شده و تقاضای قربانیان برای مجازات فاعلین، اشاره شده بود، به جرم‌انگاری زنا با محارم ذیل دو عنوان تجاوز جنسی و سوءاستفاده جنسی پرداخت. این درحالی است که این جرم از مجموعه قوانین کیفری سال ۱۸۱۰ به این دلیل که ممنوعیت آن تنها بر مبنای ارزش‌های دینی قابل‌پذیرش است، حذف شده بود. در واقع به دنبال تبدیل شدن یک ارزش صرفاً دینی به یک مطالبه اخلاقی و عقلانی، زنا با محارم این بار از مجرای عقلانیت‌های اخلاقی و حرفه‌ای عنوان مجرمانه یافت. نک: ایروانیان، پیشین، ۱۴۶-۱۴۴.

نظام‌های سیاسی مذهبی علاوه بر قرارگیری در چهارچوب اخلاقیات جامعه در قالب عقلانیت سیاسی و قانونی نیز قرار می‌گیرند و از این مجرا نظام پاسخ‌دهی به جرم را مؤثر از خود می‌سازند. اسلام مبنای ایدئولوژیک نظام جمهوری اسلامی ایران است و کنشگران عرصه سیاست‌گذاری در جریان حل یک معضل، نقش پررنگی برای اصول اسلامی قائل هستند. عقلانیت دینی در ایران از یک سو واسطه تثبیت قدرت و مشروعیت نظام سیاسی (عقلانیت سیاسی) است و از سوی دیگر با ورود خود به بدنه قوانین، در محدوده پابندی به عقلانیت قانونی قرار گرفته است. بر این اساس، تلاش برای تثبیت پایه‌های دین اسلام و نظام جمهوری اسلامی ایران بعضاً به توجه حداکثری و تک‌بعدی به آموزه‌های دینی منتهی شده و با نادیده‌انگاری ابعاد دیگر عقل به جرم‌انگاری‌های افراطی دامن زده است. جرم‌انگاری فعل حرام مصرّح در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵^{۴۶} و جرم‌انگاری مصرّح در قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر مصوب ۱۳۹۴ شاهی بر این ادعاست.

قانون آمران به معروف و ناهیان از منکر با اتکاء بر گفتمان سیاسی مجلس نهم و به دنبال مرگ جوان بسیجی در مدت زمانی کوتاه، به تصویب رسید. بررسی مشروح مذاکرات مجلس و دلایل موافقان تصویب طرح، نشان از غلبه و صدرنشینی الزامات عقلانیت سیاسی و دینی نسبت به ابعاد حرفه‌ای و قانونی عقلانیت دارد. قوام حکومت اسلامی، جلوگیری از بدحجابی و بی‌بندوباری و حمایت از مظلومیت قشر آمران به معروف و ناهیان از منکر^{۴۷} همگی دلایلی است مبتنی بر نظام ارزشی موردقبول سیاست‌گذار و تلاش وی در جهت تثبیت نظام هنجاری موافق با نظام سیاسی موجود (عقلانیت سیاسی).

در ماده ۹ این قانون برای اشخاص حقیقی یا حقوقی که در برابر اجرای امر به معروف و نهي از منکر ممانعت و مزاحمتی ایجاد کنند که به موجب قانون جرم باشد، علاوه بر مجازات قانونی، محکومیت به حبس تعزیری یا جزای نقدی درجه هفت پیش‌بینی شده است. به نظر می‌رسد که بر پایه الزامات حاکم بر عقلانیت‌های حرفه‌ای و قانونی، مجازات مضاعف این دسته از مجرمان غیرعقلانی باشد. با این توضیح که بر اساس علم جرم‌شناسی (به‌عنوان ابزار دستیابی به عقلانیت حرفه‌ای)؛ پیشگیری از جرم توسط دو مکانیسم عمده تحقق می‌یابد،

۴۶. نک: محمدجعفر حبیب‌زاده، «مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانون‌مداری در قانون اساسی»، نشریه

حقوق اساسی ۳ (۱۳۸۳)، ۲۴-۹.

۴۷. «مشروح مذاکرات مجلس»، (۱۳۹۳/۰۷/۱۶)، دوره نهم، جلسه ۲۴۸، روزنامه رسمی، شماره ۲۰۳۰۹، ۱۷-

نظارت‌های درونی با استفاده از ابزار جامعه‌پذیری و نظارت بیرونی با استفاده از ابزار کنترل و ایجاد محدودیت.^{۴۸} امر به معروف و نهی از منکر، مکانیسم نظارت بیرونی سیاست‌های مقابله با جرایم و انحرافات اخلاقی است؛ بنابراین برخلاف مکانیسم درونی، درنهایت از ابزار فشار و اجبار استفاده می‌کند. پذیرش اعمال فشار و اجبار توسط افراد به دلیل درونی شدن بعضی از ارزش‌هاست. به همین دلیل مشروعیت اجبارها و فشارهایی که در فرایند کنترل و نظارت بیرونی به کار می‌رود، قائم به جامعه‌پذیری و فرهنگ‌سازی است. اگر ارزش‌های درونی شده‌ای که مشروعیت رفتارهای کنترلی و نظارتی را تصدیق می‌کنند، وجود نداشته باشد، هر نوع تلاش برای پیشگیری از جرم و انحراف از کانال محدودسازی و نظارت، با مقاومت مردم روبه‌رو می‌گردد. با اینکه قانون، امر به معروف و نهی از منکر را نسبت به دولتمردان و قوای حاکم نیز به رسمیت شناخته است، ولی بجز ماده ۸ که در مورد نظارت بر رفتار دولتمردان است، باقی مواد از جمله در تعریف حریم خصوصی و روح کلی حاکم بر قانون بیشتر ناظر بر نظارت مردم بر مردم و رویارویی آنان با یکدیگر است و همین امر فلسفه وضع قانون را در ذهن جامعه به سمت مداخله در حریم خصوصی آن هم توسط عده‌ای خاص سوق داده است. استفاده از ابزار زور و اجبار حتی به واسطه زبان و نوشتار، به‌زعم ماده ۳ قانون و پذیرش این واقعیت که ابزار فشار در دست نیروهای غیررسمی قرار گیرد، ابتدا باید در درون نظام فرهنگی اکثریت جامعه درونی شده و نسبت به آمران به معروف و ناهیان از منکر، اعتمادسازی ایجاد گردد. این امر تنها از طریق مکانیسم تبلیغاتی و فرهنگی امکان‌پذیر است نه مجازات و سرکوب. در طول قرن‌های متمادی برحسب شیوه‌های تولیدی و معیشت مردم ایران، نظامی از باورهای اجتماعی به‌وجود آمده است که بر قضاوت فعالیت بخش خصوصی در حوزه مقابله با بی‌نظمی و انحراف، تأثیر عمیقی بر جای گذاشته است؛ تا آنجا که می‌توان گفت در فرهنگ عامه، تجمیع قدرت در دستان افراد غیررسمی به‌منظور اعمال فشار و قدرت، به‌سختی موردقبول قرار می‌گیرد. به‌خصوص با این پیش‌فرض که بخش خصوصی مقتدر نیز تابع نظام‌گزینی است و تقسیم قدرت در آن به‌طور مساوی صورت نگرفته است. در تاریخ صد ساله اخیر ایران از مالکان ایرانی که در املاک خود با قدرت به‌دنبال حفظ امنیت بودند، به نیکی یاد نشده است و سراسر ادبیات و هنر ایرانی مشحون از هجو مالکانی است که با قدرت محلی

۴۸. نک: مارتین اینس، *درک کنترل اجتماعی*، ترجمه نبی‌الله غلامی (تهران: میزان، ۱۳۹۶).

خود مکمل تلاش‌های حکومت مرکزی در برقراری امنیت و نظم بوده‌اند.^{۴۹}

پایبندی به اصول عقلانیت قانونی نیز در این میان نادیده گرفته شده است. مفاهیمی چون معروف و منکر در چهارچوب ماده ۱ تعریف شده‌اند؛ اما تعریفی مبهم، وسیع و تفسیربردار. منکرات دایره‌ای گسترده‌تر از جرم یافته است و هر نوع عمل خلاف شرع و اخلاق را دربرمی‌گیرد. شرع و اخلاقی که دایره مفهومی و مصداقی مشخصی ندارد.

بهای توجه احساسی و افراطی سیاست‌گذار به ابعاد سیاسی موضوع و تلاش وی برای کنترل شدید افرادی که به‌زعم سیاست‌گذار اعتقادات دینی استواری ندارند^{۵۰}، بی‌تفاوتی نسبت به الزامات عقلانیت قانونی و حرفه‌ای را در پی داشته است. همین امر باعث گردیده است که جرم‌انگاری مصرح در قانون چندان عاقلانه قلمداد نگردد.^{۵۱}

در مثالی دیگر، نفوذ عقلانیت مرجح دینی را می‌توان در مفاد ماده ۲۲۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، سایر ارجاعات موجود در این قانون به شرع و منابع معتبر شرعی و استفاده از عباراتی چون «تعزیرات منصوص شرعی» دید که صراحتاً با عقلانیت قانونی مخالف است. توجه افراطی و تک‌بعدی به عقلانیت دینی در این ماده به توسعه عناوین مجرمانه و مجازات‌های شرعی که نهادهای مخفّف‌ای چون تعلیق و تخفیف اجرای مجازات، در آنها غیرقابل‌اعمال است و بنابراین نمودی از تقویت رویکردهای سخت‌گیرانه در نظام سیاست‌گذاری جنایی است، منتهی شده است.^{۵۲}

۴۹. غلامحیدر ابراهیم‌بای، «فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران»، فصلنامه انجمن فرهنگی ایران و ارتباطات ۵ (۱۳۸۵)، ۲۲۸.

۵۰. «مشروح مذاکرات مجلس»، (۱۳۹۳/۰۷/۲۹)، دوره نهم، جلسه ۲۵۰، روزنامه رسمی، شماره ۲۰۳۱۱، ۱۱.

۵۱. برای ملاحظه سایر نادیده‌انگاری‌های عقلانیت‌های حرفه‌ای و قانونی نک: فیروز محمودی جانکی، «ستیزه‌گری حقوقی و اجتماعی - نقدی بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و طرح صیانت از عفاف و حجاب» در علوم جنایی تطبیقی، به اهتمام حسین غلامی (تهران: میزان، ۱۳۹۵)، ۶۱۱-۵۸۵ و رحیم نوبهار، «نقدی بر قانون امر به معروف و نهی از منکر» در بازخوانی فقهی امر به معروف و نهی از منکر، نوشته سید مصطفی محقق داماد (تهران: مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۹۶)، ۲۳۴-۲۲۱.

۵۲. علاوه بر ابعاد ذکرشده در این بخش، در مواردی اعمال عقلانیت مرجح از سوی سیاست‌گذار می‌تواند موجبات ارتکاب جرم و ناامنی را نیز فراهم آورد، نمونه آن درج شاخص‌های ذهنی در بندهای «الف» و «ب» ماده ۲۸ قانون انتخابات مجلس شورای اسلامی است که به زحمت می‌توان آنها را سنجید؛ امری که منجر به انتقادهای شدید از عملکرد شورای نگهبان شده است. این درحالی است که اگر سیاست‌گذار انتخاباتی از اسارت عقلانیت‌های گزینشی و مرجح فارغ شود، می‌تواند از شاخص‌های عینی و سنجش‌پذیر جهت صلاحیت‌سنجی نامزدها بهره برده و از بروز جرایم سیاسی و اخلاقی در وحدت ملی پیشگیری کند.

۳- راهکارهای رفع عقلانیت مرجح از سیاست جنایی ایران

در الگوی عقلانیت ترکیبی بایسته‌های حاکم بر عقلانیت‌های اقتصادی، حرفه‌ای و قانونی در تعامل سازنده با سایر عقلانیت‌ها، مداخلات متعصبانه رهبران سیاسی را رصد و با قدرت ارزیابی خود محدود می‌سازند؛ بنابراین، درحالی‌که کارآمدی سیاست‌ها به‌دلیل دستیابی به منافع مادی غالب بر هزینه‌ها (عقلانیت اقتصادی)، اجرای صحیح قانون اساسی (عقلانیت قانونی) و توجه به اصول فنی (عقلانیت حرفه‌ای) تضمین می‌شود، نگرانی‌های مردم پاسخ داده شده (عقلانیت اخلاقی) و از مسیر کارآمدی و نه عوام‌فریبی، مشروعیت نظام سیاسی حاکم نیز تقویت می‌شود (عقلانیت سیاسی).

نخبگان حرفه‌ای و نمایندگان جامعه مدنی منبع تزریق بایسته‌های حاکم بر عقلانیت‌های اقتصادی، اخلاقی، حرفه‌ای، قانونی و جهانی‌اند و بر اعمال صحیح این بایسته‌ها نظارت می‌کنند. از این‌رو، هرچه امکان مداخله آنان در عرصه سیاست‌گذاری بیشتر فراهم شود، احتمال ظهور عقلانیت مرجح سیاسی مضیق‌تر و فرایند عقلانیت مرجح‌زدایی تسهیل می‌گردد؛ بنابراین ضروری است که از رهگذر نخبه‌گرایی حرفه‌ای و مشارکت‌گرایی مدنی به مهار عقلانیت‌های مرجح اقدام شود.^{۵۳}

۳-۱- نخبه‌گرایی حرفه‌ای

در تبیین عقلانیت ترکیبی یکی از عناصر بسیار حائز اهمیت مداخله نخبگان حرفه‌ای است. کارشناسان و متخصصان که معمولاً از تحصیلات عالیه دانشگاهی، مهارت و تخصص لازم برخوردارند، بر اساس شواهد عینی، مطالعات میدانی و تطبیقی، ارزیابی توانایی‌های مالی و فنی کشور و نظرات علمی اثبات‌شده و فارغ از وسوسه‌های منفعت‌طلب عقلانیت سیاسی به تدوین تدابیر جنایی می‌پردازند.

هرچه به‌واسطه عملکرد ضعیف نهادهای حرفه‌ای، مداخله عقلانیت‌های حرفه‌ای و قانونی کمتر شود، مطالبات سیاسی، فرصت و مجال بیشتری برای تأثیرگذاری بر بدنه نظام سیاست‌گذاری می‌یابند. به‌طور نمونه شورای عالی هماهنگی اقتصادی که در پی تلاطمات ارزی و اقتصادی در کشور از سال ۱۳۹۷ تشکیل شده است، نمودی از یک نهاد سیاسی است

۵۳. با اینکه به‌نظر می‌رسد به‌دلیل تقابل ابعاد مختلف عقلانیت با یکدیگر، اعمال صد درصدی عقلانیت ترکیبی آرمانی باشد، اما اعمال هر نسبتی از آن به همان اندازه از شدت نفوذ عقلانیت‌های مرجح می‌کاهد.

که کاهش زمینه‌های ظهور و اعمال عقلانیت حرفه‌ای در آن نسبت به سایر نهادهای سیاست‌گذاری، احتمال اتخاذ سیاست‌های متکی بر عقلانیت مرجح را بیشتر ساخته است. عدم عبور متون اولیه سیاست‌ها از مراکز پژوهشی و کمیسیون‌های تخصصی، ماهیت شتاب‌گرای این شورا و عدم جامع‌نگری، عواملی هستند که سیاست‌های اتخاذی توسط این مرجع را با نادیده‌انگاری عقلانیت حرفه‌ای روبه‌رو می‌سازد.^{۵۴}

ضرورت توجه به نخبه‌گرایی حرفه‌ای، مستلزم بازنگری در چهارچوب سنتی نهادهای سیاست‌گذاری در کشور از جمله مجلس شورای اسلامی و شوراهای عالی سیاست‌گذاری است. ضروری است که حضور و اعلام نظر نخبگان با احتساب حق رأی آنان، در نظام برنامه‌ریزی جنایی قاعده‌مند و الزامی گردد و سازکارهای مشارکت آنان فراهم شود. البته این نکته را نیز باید مدّ نظر داشت که نخبگان حرفه‌ای زمانی می‌توانند به مطلوب‌ترین سطح از کارایی خود نزدیک شوند که فارغ از تأثیر عقلانیت سیاسی^{۵۵} باشند. عقلانیت سیاسی از چنان فریبندگی برخوردار است که به راحتی می‌تواند در میان نهادهای حرفه‌ای نفوذ کرده و ماهیت علمی آنان را خدشه‌دار سازد. نهادهای حرفه‌ای باید مستقل از نهادهای سیاسی به تحقیق و ابراز عقیده بپردازند. وابستگی مالی و استخدامی نخبگان فکری به قدرت، سبب می‌شود که این کنشگران نیز مؤثر از جاذبه‌های عقلانیت سیاسی در قبال منافع مالی و سیاسی از توجه به بایسته‌های فنی و تخصصی چشم‌پوشی کنند. به‌طور نمونه قرار گرفتن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یا مرکز پژوهش‌های قوه قضائیه به‌عنوان مهم‌ترین نهادهای حرفه‌ای حاکم بر نظام برنامه‌ریزی جنایی ایران، در چهارچوب سازمانی مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه، ناگزیر این نهادها را مؤثر از عقلانیت سیاسی حاکم می‌سازد. علاوه بر این، برای خنثی‌سازی اثر افراطی عقلانیت سیاسی، باید سازکارهای حضور نخبگان حرفه‌ای از طیف‌های مختلف تخصصی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را فراهم ساخت. به‌طور مثال می‌بایست شورای عالی سیاست‌گذاری فرهنگی از حضور متخصصان فنی از طیف‌های مختلف فرهنگی، دینی، قومیتی، سیاسی و حزبی برخوردار باشد. تنها در این صورت است که می‌توان به عینیت‌گرایی عقلانیت حرفه‌ای اعتماد کرد.

۵۴. این امر، فارغ از وجود شبهه‌ای است که در صلاحیت قانونی این نهاد برای سیاست‌گذاری وجود دارد که خود بر مبنای عقلانیت‌های قانونی و حرفه‌ای جای بحث و بررسی دارد.

۵۵. بی‌شک نمی‌توان سخن از نخبه‌گرایی حرفه‌ای مطلق به میان آورد که در آن اثر عقلانیت‌های سیاسی یا اخلاقی صفر باشد؛ اما می‌توان تأثیر امور ارزشی و احساسی را به حداقل ممکن نزدیک کرد.

۳-۲- مشارکت‌گرایی مدنی

جامعه مدنی به حوزه‌ای از روابط و تعاملات اجتماعی اطلاق می‌شود که فارغ از قدرت سیاسی است و مجموعه‌ای از احزاب، اصناف، انجمن‌ها، شوراها و بنگاه‌های خیریه را دربرمی‌گیرد. ویژگی منحصربه‌فرد جامعه مدنی که آن را به اهرمی قوی برای مبارزه با عقلانیت‌های مرجح مبدل می‌سازد، این است که در چهارچوب قدرت و خوان نعمت‌رسان دولت برای آن سهم و جایگاهی پیش‌بینی نگردیده و برخلاف رهبران سیاسی، رسالت تثبیت نظام سیاسی و ارزشی حاکم برعهده او قرار داده نشده است. همین امر باعث می‌گردد که بدون تحمیل فشار از سوی عقلانیت سیاسی، در تلاش برای القاء و تثبیت ارزش‌های مشترک انسانی نظیر حقوق بشر، حقوق برابر زنان، حقوق اقلیت‌ها و حقوق محیط‌زیست برآید.

جامعه مدنی با انعکاس واقعیت‌های جاری در سطح اجتماع سیاست‌گذار را درجهت رعایت منافع کسانی هدایت می‌کند که عقل مصلحت‌اندیش سیاسی قادر به رؤیت آنها نیست.

فرهنگ سیاسی متفاوت کنشگران مدنی نسبت به رهبران سیاسی نیز نقش جامعه مدنی را در کنترل نفوذ عقلانیت مرجح پررنگ می‌سازد. فرهنگ سیاسی حاکم بر نخبگان سیاسی ایران از نوع تابعیتی و منازعه‌گراست.^{۵۶} سیاست‌زدگی موجود در سیاست‌های عمومی در موارد متعددی مرتبط با روحیه اقتدارگرا، انتقادناپذیر و منفعت‌طلب آنان بوده است.^{۵۷} بی‌ارتباطی جامعه مدنی به مناسبات قدرت و منافع مالی ناشی از آن و عدم پیروی آنان از الگوی تابعیتی پایین به بالا سبب می‌شود که فرهنگ کنشگران مدنی مستقل از چیدمان فرهنگی رهبران سیاسی، برمبنای انصاف، مسئولیت‌پذیری، ابتکار و خلاقیت و همکاری با نهادهای رسمی و غیررسمی داخلی و جهانی، تعدیل گردد. همین روحیه تعامل‌گرایانه، نه تنها موجبات ارتباط با دانشگاهیان و نخبگان حرفه‌ای را فراهم می‌کند؛ بلکه ریشه‌های توجه به عقلانیت جهانی یا فراسرزمینی را که قربانی روحیه منازعه‌گر دولتمردان است، تقویت می‌کند. به‌خصوص در عصری که در آن خطرات اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی به‌واسطه پدیده‌هایی چون ظهور تروریسم^{۵۸}، جرایم فضای مجازی و معضلات زیست‌محیطی^{۵۹} از محدوده محاسبه و

۵۶. محمود سریع‌القلم، فرهنگ سیاسی ایران (تهران: فروزان، ۱۳۸۹)، ۵۶.

۵۷. نک: حسین بشیریه، موانع توسعه سیاسی در ایران (تهران: گام نو، ۱۳۸۰)، ۱۶۹-۵۵.

58. See: Raymond Hinnebusch, *The International Politics of the Middle East* (Manchester, United Kingdom: Manchester University Press, 2003).

۵۹. نک: امیر پاک‌نهاد، سیاست جنایی ریسک مدار (تهران: میزان، ۱۳۹۴).

کنترل عقلانیت‌های سرزمینی خارج شده است.^{۶۰} با وجود اساسی‌سازی^{۶۱} نقش جامعه مدنی در اداره امور کشور و فعالیت طیف گسترده‌ای از نهادهای غیردولتی فعال در سطح داخلی و جهانی که می‌توانند در جهت اصلاح نظام پاسخ‌دهی به جرم مؤثر عمل کنند، حمایت ضعیف الزامات عادی قانونی از ضرورت مداخله این دسته از کنشگران در فرایند تصمیم‌گیری، آنها را به نهادهایی تبلیغاتی و غیرمؤثر میل ساخته است. سازمان‌هایی چون «جهت و شبکه دیده‌بان شفافیت و عدالت» از جمله این سازمان‌های مردم‌نهاد هستند. فعالیت‌های تخصصی این دو سازمان در حوزه مبارزه با فساد، به دلیل فقدان قانونی که حضور نمایندگان جامعه مدنی یا استفاده از گزارش‌های آنها را در فرایند برنامه‌ریزی جنایی، الزامی سازد، با بی‌اعتنایی شوراها و نهادهای سیاست‌گذاری رسمی در حوزه امور اقتصادی روبه‌رو بوده است.

با وجود اینکه قانون «هیئت‌منصفه مصوب ۱۳۸۲» نیز تلاش کرد تا شرایط فعال‌سازی جامعه مدنی را به‌واسطه تعیین ترکیب هیئت‌های منصفه از طریق اعلام عمومی و قرعه‌کشی از میان متقاضیان تسهیل سازد، قانون «تعیین تکلیف هیئت‌منصفه مطبوعات در سال ۱۳۸۷»، با اعلام لغو قانون سال ۱۳۸۲ و لازم‌الاجرا دانستن مواد مربوط به هیئت‌منصفه مطبوعات از قانون اصلاح قانون مطبوعات سال ۱۳۷۹ که در آن، تعیین ترکیب هیئت‌های منصفه برعهده مقامات انتصابی قرار داده شده است، این تلاش را با مانع روبه‌رو ساخت.^{۶۲} مجوز موجود در ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ برای مداخله نهادهای مدنی در اعلام جرم و شرکت در مراحل دادرسی اگرچه قدمی مهم در جهت اعتباربخشی به مداخله نهادهای مردمی در نظام عدالت کیفری است؛ با این حال نمی‌تواند پاسخگوی نیاز نظام سیاست‌گذاری به حضور نهادهای مردمی در مراحل تدوین تدابیر جنایی باشد. نیازی که به شکل محدود (بدون حق رأی) تنها در تبصره ماده ۲ قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ پاسخ گرفته شده است.^{۶۳}

60. U. Beck, "Risk Society Revisited: Theory, Politics and Research Programs," In *The Risk Society and Beyond: Critical Issues for Social Theory*, ed. Adam, B.Y. beck, U. & J. Van Loon (London: Sage Publications, 2002), 17.

۶۱ نک: فصل هفتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ امیرحسین نیازپور، «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم»، پژوهش حقوق کیفری ۶ (۱۳۹۳)، ۹۱-۱۱۱.

۶۲ نک: علی خالقی، آیین دادرسی کیفری (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸)، جلد دوم، چاپ هیجدهم، ۸۸-۹۵.

۶۳ خوشبختانه سیاست‌گذار جنایی در طرح‌ها و لوایح اخیر به این موضوع توجه بیشتری نشان داده است. در

نتیجه

بر مبنای نظریه عقلانیت ترکیبی اسنلن، عقلانیت ضمن پذیرش و ضروری قلمداد کردن مداخله مقولات ارزش‌مدار در فرایند سیاست‌گذاری، با تمسک بر امور عینی و منطقی، دامنه نفوذ این مقولات را قاعده‌مند می‌سازد.

«عقلانیت مرجح» در مسیری متضاد با این کارکرد مثبت، به واسطه تمرکز انحصاری بر ابعاد خاصی از عقل، سیاست‌گذاری را به سمت مداخله تک‌بعدی یک دسته از مؤلفه‌های ذهنیت‌مدار یا عینیت‌محور متمایل ساخته و با حذف نقش نظارتی عقل، ماهیتی غیرعقلانی به سیاست‌های متکی بر عقلانیت مرجح، می‌بخشد.

به دلیل وابستگی نظام سیاست‌گذاری جنایی به اقتدار نظام سیاسی حاکم و ایدئولوژی زیربنایی آن، ظهور عقلانیت مرجح در این نظام، پیامد مداخله حداکثری رهبران سیاسی و محدود کردن عرصه حضور بازیگران حرفه‌ای و اخلاقی در روند تصمیم‌گیری و در نتیجه توجه حداکثری به عقلانیت سیاسی و پذیرش جایگاه فرادستی برای امور تفسیربردار سیاسی نسبت به امور عینیت‌پذیر و ثابت عقلانی است.

به دلیل همین وابستگی، ابعاد دیگری از عقل نیز که در معیت عقلانیت سیاسی مورد توجه افراطی سیاست‌گذار قرار می‌گیرند، در تبعیت از ماهیت ساختار حاکم سیاسی متغیر هستند. نظام سیاسی ایران مردم‌سالار دینی است و بر همین اساس سیاست جنایی متکی بر عقلانیت مرجح و گزینشی در آن، می‌تواند به واسطه اعمال تک‌بعدی و حداکثری عقلانیت‌های سیاسی، اخلاقی و دینی ظهور کند.

در فرایند مرجح‌سازی عقلانیت سیاسی که نمودی از آن را می‌توان در تغییرات صورت‌گرفته در ترکیب اعضای شورای عالی پیشگیری از جرم مصرح در ماده ۲ قانون پیشگیری از جرم دید، به فراخور دغدغه‌های سیاسی و عقیدتی رهبران سیاسی و بی‌اعتنایی آنان به ابعاد حرفه‌ای جرم‌شناسی پیشگیری، حضور پررنگ نهادهای اجتماعی و مردم‌محور، تحت تأثیر گفتمان حداکثرسازی نقش دولت در تصمیم‌گیری‌های جنایی، کمرنگ و حضور نیروهای دولتی و امنیتی در اکثریت قرار گرفته است. حضوری که می‌تواند بستر تمایل سیاست‌های

«ماده ۴ طرح ممنوعیت حیوان‌آزاری»، سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه‌های زیست‌محیطی از اعضای کارگروهی قرار داده شده‌اند که به تهیه سیاست‌های مربوط در حوزه حیوانات می‌پردازد، طرح قابل‌دسترس در سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،

http://www.majlis.ir/fa/legal_draft/show/1262286.

جنایی را به سمت اقتدارگرایی فراهم آورد. در رویکرد افراطی و تک‌بعدی سیاست‌گذار بر بایسته‌های عقلانیت اخلاقی نیز که انعکاس آن را می‌توان در سیاست‌های سخت‌گیرانه نظام سیاست‌گذاری با متهمان اقتصادی دید، رهبران سیاسی با توسل به یکی از دو وسیله کسب رضایت مردم یا شکل‌دهی به افکار عمومی و فریب آنان، سیاست‌گذار را آن‌چنان به سمت توجه به عقلانیت اخلاقی ملزم ساخته‌اند که رفع نگرانی‌های مردم و آرام کردن فضای عمومی جامعه از مجرای اجرای صریح و قاطع عدالت، فرصت اعمال عقلانیت‌های حرفه‌ای و قانونی را از او دریغ کرده است و موجب طراحی تدابیری شتابزده و ناکارآمد شده است. در فرایند مرجح‌سازی عقلانیت دینی نیز که نمونه آن جرم‌انگاری مصرح در ماده ۹ قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر است، تلاش برای تثبیت پایه‌های نظام جمهوری اسلامی به‌عنوان یک دغدغه سیاسی، از طریق تقویت و گسترش ارزش‌های دین اسلام، بعضاً به توجه حداکثری انحصاری به آموزه‌های دینی منتهی شده و با نادیده‌انگاری ابعاد دیگر عقل به جرم‌انگاری‌های مفرط دامن زده است.

از آن‌رو که ظهور عقلانیت مرجح سیاسی نتیجه مداخله حداکثری رهبران سیاسی است، اعمال عقلانیت ترکیبی از طریق بازنگری در ارکان سنتی نظام برنامه‌ریزی جنایی و تقویت نقش نخبگان حرفه‌ای و نمایندگان جامعه مدنی، در مراجع سیاست‌گذاری از جمله مجلس شورای اسلامی، هیئت دولت، شورای عالی امنیت ملی، شوراها و عالی سیاست‌گذاری فرهنگی و اقتصادی و اداره تدوین لوایح قوه قضائیه راه‌حل برون‌رفت از معضل مداخله عقلانیت‌های مرجح قلمداد می‌گردد. در حال حاضر با وجود تأکید قانون اساسی بر نقش جامعه مدنی و مراجع تخصصی در اداره امور کشور، حمایت ضعیف الزامات عادی قانونی از ضرورت مداخله این دسته از کنشگران در فرایند تصمیم‌گیری، آنان را به بازیگرانی تبلیغاتی و غیرمؤثر مبدل ساخته است. مداخله فعال این نهادها بستر لازم برای تعامل میان عقلانیت‌های حرفه‌ای، قانونی و جهانی را در کنار منافع سیاسی و عقیدتی رهبران سیاسی فراهم می‌آورد. البته مشروط به اینکه این دو نهاد استقلال مالی، تخصصی و اخلاقی خود را حفظ کنند و بتوانند نماینده تام‌الاختیار بایسته‌های عقلانیت‌های حرفه‌ای، اخلاقی، قانونی و جهانی باشند.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- ابراهیم بای سلامی، غلام‌حیدر. «فرهنگ و سیاست‌گذاری در ایران». *فصلنامه انجمن فرهنگی ایران و ارتباطات* ۵ (۱۳۸۵): ۲۳۳-۲۱۳.
- ایروانیان، امیر. *نظریه عمومی سیاست‌گذاری جنایی*. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۲.
- اینس، مارتین. *درک کنترل اجتماعی*. ترجمه نبی‌الله غلامی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- برهانی، محسن. *اخلاق و حقوق کیفری*. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۷.
- بشیریه، حسین. *جامعه‌شناسی سیاسی*. چاپ بیست و پنجم. تهران: نشر نی، ۱۳۹۵.
- بشیریه، حسین. *موانع توسعه سیاسی در ایران*. تهران: انتشارات گام نو، ۱۳۸۰.
- پاک‌نهاد، امیر. *سیاست جنایی ریسک‌مدار*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۴.
- جلالی، محمود. «حقوق بشر زنان در حقوق بین‌الملل و وضعیت ایران». *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۶۶ (۱۳۸۳): ۱۱۵-۱۴۳.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر. «مجازات عمل حرام و تعارض آن با قانون‌مداری در قانون اساسی». *نشریه حقوق اساسی* ۳ (۱۳۸۳): ۲۴-۹.
- حسینی، محمد. *سیاست جنایی اسلام و جمهوری اسلامی ایران*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۴.
- خالقی، علی. *آیین دادرسی کیفری*. جلد دوم. چاپ هیجدهم. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، ۱۳۹۸.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران (ایرنا). «تقابل دیدگاه مخالفان و موافقان پیوستن ایران به fatf». منتشرشده در ۱ دی ۱۳۹۸. مشاهده‌شده در ۲۰ دی ۱۳۹۸. www.irna.ir/news/83603489.
- خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا). «فیلترینگ چه اثری بر استفاده از تلگرام داشت؟». ۲۰ دی ۱۳۹۸. <https://www.isna.ir/news/98012007494>.
- دلماش مارتی، مری. *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی‌حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۳.
- سریخ‌القم، محمود. *فرهنگ سیاسی ایران*. تهران: انتشارات فروزان، ۱۳۸۹.
- سن، آمارتیا. *عقلانیت و آزادی*. ترجمه وحید محمودی و علیرضا بهشتی. تهران: نشر نی، ۱۳۹۸.
- صبوری‌پور، مهدی. *عقلانیت در ارتکاب جرم*. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۸.
- صفاری، علی. «تعریف و مفهوم پیشگیری از جرم». *خبرنامه انجمن جرم‌شناسی* ۱۲/۱۱ (۱۳۸۸): ۸-۳.
- صفاری، علی. *کیفرشناسی*. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۸.
- طهماسبی، شهرام، مهرداد جواهری‌پور و رضاعلی محسنی. «مطالعه تطبیقی لیبرال دموکراسی با

- مردم‌سالاری دینی در جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی». *مطالعات جامعه‌شناسی* ۴۳ (۱۳۹۸): ۷-۲۲.
- فرجیها، محمد، علی صفاری، عزیزا... رجبزاده و امیرحسن نیازپور. «بررسی لایحه پیشگیری از وقوع جرم، میزگرد سوم». *فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم* ۴ (۱۳۸۶): ۲۵۱-۲۱۲.
- قریب، حسین. *بررسی کارکردهای انواع عقل در سیاست‌گذاری عمومی جمهوری اسلامی ایران*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.
- قلی‌پور، رحمت‌الله و ابراهیم غلام‌پور آهنگر. *فرایند سیاست‌گذاری عمومی در ایران*. تهران: انتشارات مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۹.
- گیدنز، آتونی. *سیاست، جامعه‌شناسی و نظریه اجتماعی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: انتشارات نی، ۱۳۸۴.
- لازرژ، کریستین. *درآمدی بر سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۶.
- لیوتار، ژان فرانسوا. *وضعیت پست‌مدرن - گزارشی درباره دانش*. ترجمه حسینی نودری. تهران: نشر گام نو، ۱۳۸۷.
- محمدنسل، غلامرضا. *جرم و سیاست جنایی: فرایند سیاست‌گذاری و کنشگران آن*. تهران: دادگستر، ۱۳۹۸.
- محمودی جانکی، فیروز. «ستیزه‌گری حقوقی و اجتماعی - نقدی بر قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر و طرح صیانت از عفاف و حجاب» در *علوم جنایی تطبیقی*، به اهتمام حسین غلامی، ۶۱-۵۸۵. تهران: انتشارات میزان، ۱۳۹۵.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. «طرح اصلاح قانون مجازات اخلال‌گران در نظام اقتصادی کشور». مشاهده‌شده در ۲۴ دی ۱۳۹۸. <https://rc.majlis.ir/fa/legal draft/show/1393925>.
- مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان. «لایحه پیشگیری از جرم». مشاهده‌شده در ۷ بهمن ۱۳۹۸. <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/frmShenasname.aspx>.
- مرکز پژوهش‌های شورای نگهبان. «نظر شورای نگهبان درخصوص طرح منع شکنجه و طرح جرم سیاسی». مشاهده‌شده در ۹ بهمن ۱۳۹۸. <http://nazarat.shora-rc.ir/Forms/FileLoad.aspx>.
- «مشروح مذاکرات مجلس». (۱۳۹۳/۰۷/۱۶). دوره نهم، جلسه ۲۴۸. *روزنامه رسمی*، شماره ۲۰۳۰۹.
- «مشروح مذاکرات مجلس». (۱۳۹۳/۰۷/۲۹). دوره نهم، جلسه ۲۵۰. *روزنامه رسمی*، شماره ۲۰۳۱۱.
- ملک‌محمدی، حمیدرضا. *مبانی و اصول سیاست‌گذاری عمومی*. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۶.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. «سیاست جنایی» در *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، به اهتمام امیرحسن نیازپور. ۵۷۵-۵۵۴. تهران: نشر میزان، ۱۳۹۶.
- نوبهار، رحیم. «مدل‌شناسی سیاست جنایی اسلام». *مجله تحقیقات حقوقی* ۶۱ (۱۳۹۲): ۱۵۰-۱۰۱.
- نوبهار، رحیم. «نقدی بر قانون امر به معروف و نهی از منکر» در *بازخوانی فقهی امر به معروف و نهی از*

- منکر، نوشته سید مصطفی محقق داماد، ۲۳۴-۲۲۱. تهران: مرکز نشر علوم انسانی، ۱۳۹۶.
- نیازپور، امیرحسن. «اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم». پژوهش حقوق کیفری ۶ (۱۳۹۳): ۹۱-۱۱۱.
- وحدانی، امیریوسف. اصل شفافیت در حقوق کیفری ماهوی. تهران: انتشارات بهنامی، ۱۳۹۶.

ب. منابع انگلیسی

- Beck, U. "Risk Society Revisited: Theory, Politics and Research Programs." In *The Risk Society and Beyond: Critical Issues for Social Theory*, edited by Adam. B.Y beck, U. & J. Van Loon. 211-229. London: Sage Publications, 2002.
- Campbell, L. "Criminal Justice and Penal Populism in Ireland." *Legal Studies* 28(4) (2008): 559-579.
- Goulet, Denis. "Three Rationalities in Development Decision Making." *World Development* 14(2) (1986): 301-317.
- Hinnebusch, Raymond. *The International Politics of the Middle East*. Manchester: Manchester University Press, 2003.
- Loughlin, M. "Constitutional Theory: A 25th Anniversary Essay." *Oxford Journal of Legal Studies* 25(2) (2005): 183-202.
- Snellen, Ignace. "Conciliation of Rationalities: The Essence of Public Administration." *Administrative Theory & Praxis* 24(2) (2002): 323-346.
- Transparency International. "Corruption Perceptions Index 2018." <https://www.transparency.org/cpi2018>.